

تحلیل محتوای هویت ایرانی در داستان سیاوش شاهنامه فردوسی^۱

* علی یوسفی

** سیدمحمدرضا هاشمی

*** غلامرضا صدیق اورعی

**** زهرا بستان

E-mail: yousofi@um.ac.ir

E-mail: smrhir@gmail.com

E-mail: sedighourae@gmail.com

E-mail: z.bostan7@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۱

چکیده

هویت از زمانی شکل می‌گیرد که فرد از خود می‌پرسد «کیستم»؛ بنابراین مسئله‌ی هویت را می‌توان مسئله‌ی «معنا» دانست. در حقیقت انسان با پرسش از «کیستی» به دنبال پی بردن به معنای خود است؛ این معنا بر مبنای تشابه با آنهایی که مانند فرد هستند و تفاوت از غیر یا دیگرانی که مانند او نیستند شکل می‌گیرد. فارغ از جامعه‌ای خاص چون ایران، «حماسه‌ها و اسطوره‌های ملی» یکی از عناصر مهم هویتی و متمایزکننده جوامع به شمار می‌آیند. شاهنامه فردوسی به‌عنوان شناسنامه ملی جامعه ایرانی و دربردارنده بخش عمده‌ای از اسطوره‌ها، حماسه‌ها و تاریخ جامعه ایران همواره انتقال‌دهنده بخش عمده‌ای از عناصر هویت جامعه ایرانی تا به امروز بوده است. هویت ایرانی به معنای دلبستگی عاطفی و تعهد نسبت به میراث فرهنگی، میراث سیاسی و تبار مشترک ایرانی است. این نوشتار، معنای هویت ایرانی را با استفاده از روش تحلیل محتوا در داستان سیاوش از شاهنامه فردوسی جستجو کرده و به این نتیجه دست یافته است که هویت ایرانی در مقابل انیرانی بازشناسی می‌شود. در این داستان سایر مؤلفه‌های فرهنگی و تبار مشترک در لایه‌های بعدی هویت ایرانی جای می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: هویت ایرانی، انیرانی، تحلیل محتوا، داستان سیاوش، شاهنامه فردوسی.

۱. این مقاله بر مبنای نتایج پایان‌نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی زهرا بستان با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی هویت ایرانی در داستان سیاوش شاهنامه فردوسی» در دانشگاه فردوسی مشهد تنظیم شده است. علی یوسفی استاد راهنما؛ سیدمحمدرضا هاشمی و غلامرضا صدیق اورعی اساتید مشاور بوده‌اند.

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول

** دانشیار زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد

*** مربی جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

**** پژوهشگر جهاد دانشگاهی مشهد و کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

درحالی که تمایز و تشخیص یک عنصر ضروری برای بازشناسی افراد در عرصه حیات اجتماعی است درک از خود، مقدمه‌ای ضروری برای تمایز و تشخیص اجتماعی است. به‌طور کلی هویت در دو سطح «فردی» و «جمعی» قابل طرح است. درحالی که هویت فردی به درک فرد از خود، جدا از دیگران اشاره دارد و فرد خود را به‌عنوان موجودی یگانه و بی‌همتا می‌شناسد؛ هویت جمعی حاصل عضویت فرد در گروه بوده و به درک از خود در پرتو دیگران اشاره دارد (تاجفل، ۱۹۸۱: ۲۵۵). در مورد اخیر هر چه فرد امکان عضویت در جمع‌های بزرگ‌تر را بیابد، هویت‌های جمعی عام‌تری را اخذ خواهد؛ چنان‌که در هر جامعه‌ای عضویت فرد در اجتماع ملی، هویت ملی او را در آن کشور رقم می‌زند.

امروزه بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند هویت ملی ایرانی، همواره از ساختمانی ترکیبی و یا تلفیقی برخوردار بوده است؛ آن‌چنان که در سطح عام، ترکیب‌هایی چون هویت ایرانی (ایران پیش از اسلام)، اسلامی و غربی وجود دارد (شمشیری و نوشادی، ۱۳۸۶: ۵۹) که در هر برهه از زمان بر اساس سیاست‌های موجود یک یا دو عنصر از هویت ملی ایرانی در مرکز توجه واقع شده است.

از طرفی دیگر، هویت ایرانی در چند دهه اخیر تحت تأثیر فرایند جهانی شدن و روندهای عام‌گرایانه در سطح بین‌المللی قرار گرفته (حاجیان، ۱۳۸۸) و مسئله تداخل و ناسازگاری میان سطوح مختلف هویت جمعی (قومی، ملی و فراملی) را ایجاد کرده است (فکوهی، ۱۳۸۱). به‌علاوه آمیخته شدن عناصر فرهنگ ایرانی و اسلامی با عناصر فرهنگی غرب در دوره جدید، چالشی را در تعریف هویت جمعی ایرانی ایجاد کرده است. در عین حال امروزه حفظ هویت و اصالت ایرانی، دغدغه‌ای بسیار مهم و ملی محسوب شده و «برساختن» هویت جدید ایرانی، لازمه زندگی در روزگار حاضر تلقی می‌شود. بدین منظور ناگزیر می‌بایست کار را از سرچشمه آغاز و روندهای تاریخی شکل‌گیری هویت ایرانی را به دقت دنبال کرد. یکی از بنیادهای هویت هر جامعه را «حماسه‌ها و اسطوره‌های ملی» می‌سازند. باید اقرار کرد که انسان عصر ماشین با همه تفکرات علمی خود، بی‌نیاز و فارغ از اندیشه‌های کهن بشری به‌ویژه اسطوره‌ها و حماسه‌ها نیست (دیلیم صالحی، ۱۳۸۵: ۱۵).

در جامعه ایران، اسطوره و حماسه همواره از عناصر مهم هویت ایرانی بوده و این امر، خود انگیزه لازم را برای جستجوی عناصر هویت‌ساز در اسطوره‌ها و حماسه‌های

این مرز و بوم ایجاد می‌کند. در زبان فارسی چند کتاب وجود دارد که طی قرن‌های متمادی هویت ایرانی را تغذیه کرده است؛ یکی از آنها و شاید برترین آنها **شاهنامه** فردوسی است. **شاهنامه** به‌عنوان شاخص‌ترین مجموعه حماسی ادبیات ایران و اوج تلاش فرهنگی ملی ایران، بخش عمده‌ای از افسانه و اسطوره‌های ذهن هر ایرانی را شکل می‌دهد که از کودکی با آن مانوس شده و در دیگر عناصر هویتی آنان ریشه دوانیده است. از سوی دیگر نقش این سند در حفظ زبان فارسی و تاریخ ایران «یعنی دو عامل بنیادی هویت ملی» در شرایط بحرانی جامعه ایران و پس از آن، دلایل لازم برای شناخت عناصر بنیادین هویت ایرانی را در این اثر فراهم می‌آورد.

هم‌چنین سوابق مطالعه هویت ایرانی در **شاهنامه** این نکته را آشکار می‌سازد که اولاً اغلب پژوهش‌های انجام شده فاقد روش منظم و عینی هستند؛ ثانیاً تصویری که از هویت ایرانی در **شاهنامه** ترسیم کرده‌اند، جامع معنای هویت ایرانی در متن **شاهنامه** نیست و بسیاری از عناصر معنابخش هویت ایرانی را مغفول گذاشته‌اند.

بنابراین نوشتار حاضر درصدد است با تحلیل محتوای داستان سیاوش در **شاهنامه** فردوسی، به دو پرسش کلیدی در مورد هویت ایرانی پاسخ دهد: نخست اینکه هویت ایرانی در داستان سیاوش چگونه و به چه میزان بازتاب یافته است؟ دیگر اینکه مفهوم غیریت یا غیر ایرانی (انیرانی) چگونه در داستان سیاوش نمایانده شده است؟

مروری بر پژوهش‌های پیشین

در سوابق مطالعه هویت ایرانی در **شاهنامه** فردوسی، بسیاری از عناصر بنیادین هویت ایرانی آشکار شده است. ابوالقیسی رودسری (۱۳۸۵) در بررسی هویت ایرانی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن و بازتاب آنها در شاهنامه، مؤلفه‌هایی چون دین، زبان، تاریخ، سرزمین، نژاد را مورد تأکید قرار داده است. مشابه با مطالعه قبل، امیری اشکلک (۱۳۸۵) به روش اسنادی به مطالعه شاخص‌های هویت ایرانی در شاهنامه پرداخته است. امیری معتقد است که فردوسی بی‌گمان در احیای زبان فارسی که از ارکان هویت ملی است نقش بی‌چون و چرایی داشته و به محتوای **شاهنامه** ویژگی‌هایی بخشیده که این ویژگی‌ها سبب شده هویت ملی تا امروز چنین استمرار یابد. وی یکپارچگی سیاسی و جغرافیایی، یکپارچگی در روایت و به کاربردن واژگان اصیل فارسی را ویژگی عمده **شاهنامه** می‌داند.

در مطالعه دیگری، خردورزی و دینداری دو عنصر هویتی شاخص در **شاهنامه** تشخیص داده شده و به این نکته اشاره شده که خرد و دین در هر سه بخش شاهنامه و

در رفتار و اخلاق پادشاهان، وزرا، پهلوانان و... حضور دارند. پیوند دین و خرد هم در ترکیب کلی و شکلی شاهنامه و هم در ژرفای داستان‌ها، حوادث، رویدادها، باورها و شخصیت‌ها دیده می‌شود (خسروی و موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). منصور رستگار فسایی در مقاله‌ای با عنوان «فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی در شاهنامه» بر این امر تأکید می‌کند که فردوسی در توصیف ایرانیان و غیرایرانیان، به ویژگی‌های مثبت و منفی هر دو گروه توجه کرده است. از نظر رستگار فسایی فردوسی بن‌مایه‌های مثبت رفتاری و بارزترین خلیقات مردم ایران را در جغرافیای متنوع و تاریخ پرحادثه و فراز و نشیب این ملت، در پنج اصل خداپرستی، خردورزی، دادگری، نام و شادی خلاصه کرده و بسیاری دیگر از صفات این قوم را وابسته به این پنج اصل می‌داند (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۹). دیلم صالحی (۱۳۸۵) با بررسی شاهنامه فردوسی، به‌عنوان سندی که حاوی اسطوره‌ها و حماسه‌های ایران است، به این نکته اشاره می‌کند که در جهان‌بینی فردوسی، آموزه‌های «خرد»، «دانایی» و «داد»، هر کدام سهم مؤثری در فرایند معناسازی و تکوین هویت ایرانی دارند؛ به‌طوری‌که اگر بخواهیم برای مقوله هویت ایرانی مثلی را رسم کنیم این سه آموزه، سه ضلع مثلث هویت ایرانی را تشکیل می‌دهند و دادگری عنصر اصلی آن است. وی هم‌چنین به این نکته اشاره می‌کند که در جهان‌بینی فردوسی یکی از استوارترین راه‌ها و پایدارترین روش‌ها برای حفظ هویت ایرانی و خلوص آن، توسل به سنت سیاسی «شاهی آرمانی» است؛ شاه آرمانی که برخوردار از فره، خرد و دادگری است.

بررسی مفهومی

هویت اجتماعی از طریق دو فرایند شناخت و انگیزش شکل می‌گیرد که به دسته‌بندی افراد به گروه‌ها و تمایل به تمایز قائل شدن بین گروه خودی و غیرخودی اشاره دارد (دیوید و بارتال، ۲۰۰۹: ۳۵۵). بر همین مبنا هنری تاجفل، سه بعد آگاهی، احساس تعلق و آمادگی برای عمل را ابعاد هویت جمعی دانسته است (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۵۷، حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۵۲). از نظر جنکینز «زمان» و «مکان» به‌عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه اجتماع، اهمیت کانونی دارند. وی شناسایی یک چیز را بدین معنا می‌داند که آن را در زمان و مکان جای دهیم. در مورد افراد، هویت در تن آنها جای دارد و در هویت‌های اجتماعی جمعی، هویت در چارچوب یک سرزمین یا منطقه قرار می‌گیرد. به لحاظ زمانی نیز هویت تداوم دارد و این تداوم اجتماعی، مستلزم فرض کردن یک گذشته معنادار است. گذشته منبع مهمی است که در تفسیر اینجا و اکنون و در پیش‌بینی آینده باید به آن

رجوع کرد. گذشته به طور فردی خاطره، و به طور جمعی تاریخی است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۱۴۵). بنابراین جنکینز در یک تقسیم‌بندی از هویت، هویت‌ها را به دو دسته اولیه و ثانویه، تقسیم کرده است. به نظر او هویت اولیه حاصل تعاملات فرد با گروه‌های نخستین، همانند خانواده و همسالان هستند. اما هویت‌های ثانویه، هویت‌هایی هستند که بیشتر تحت تأثیر تعاملات اجتماعی در قالب گروه‌های ثانویه شکل می‌گیرند (قنبریان برزیان، ۱۳۸۳: ۳۶۵).

بنابراین هویت برساخته اجتماعی^۱ و زاینده بسترها و مناسبات اجتماعی است و متناسب با هر زمان و مکان، مضمون اجتماعی معینی را به خود اختصاص می‌دهد. در بررسی هویت ایرانی و عناصر تشکیل‌دهنده آن، باید به دوره زمانی و محدوده جغرافیایی آن توجه کرد؛ یعنی هویت ایرانی در متن *شاهنامه* باید متناسب با ایران آن دوره بررسی شود.

احمد اشرف بر اساس رویکرد تاریخی، در بررسی سیر تکاملی هویت ایرانی، شکل‌گیری و ابداع هویت ایرانی را از دوره ساسانیان می‌داند (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۴۵). او با استناد به نظریه‌پردازانی چون آرمسترانگ (۱۹۸۲)، آنتونی اسمیت (۲۰۰۱) و دیوید میلر (۱۹۹۵) که به وجود گونه‌ای از ملت‌ها پیش از دوران مدرن باور دارند، ایران را جزء «ملت‌های باستانی یا پیشامدرن» و یا «ملت‌های پیش از پیدایش ملی‌گرایی» می‌داند (اشرف، ۱۳۸۷).

آنتونی اسمیت در تعریفی جامع، ملت را «جمعی از انسان‌های دارای سرزمین، تاریخ، اسطوره‌ها و خاطرات مشترک، فرهنگ عمومی و توده‌ای، اقتصاد مشترک و حقوق و وظایف مشترک دانسته است» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۴۱-۱۴۲). تمامی عناصری را که اسمیت به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده ملت یاد می‌کند می‌توان در متون و رویدادهای تاریخی ایران یافت. درخصوص عناصری چون باور به اشتراکات یکسان، اراده جمعی مشترک، قدمت تاریخی، فرهنگ عمومی، سرزمین خاص و وابستگی به آن در ایران جای شک و تردید باقی نمی‌ماند و رد پای این عناصر را می‌توان در بسیاری از منابع و رویدادهای گذشته دید. گرچه امروزه اصل وجود حقوق و وظایف بیشتر در جوامع غربی معنا پیدا می‌کند اما حقوق و وظایف به مفهوم سنتی آن، در برخی از منابع کهن تاریخی و ادبی، سیاست‌نامه‌ها و نظایر آن در ایران دیده می‌شود. در تأیید این موضوع

1. Social Construct

نه تنها آنتونی اسمیت - برجسته‌ترین پژوهشگر و دانشمند مطالعات ملی‌گرایی - ایران را از ملت‌های با سابقه جهان می‌داند، بلکه اریک هابسباوم (۱۹۸۳) - یکی از نوگراترین اندیشمندان بحث‌های ملی‌گرایی - نیز که اصولاً ملت و ملی‌گرایی را «ابداع سنت» می‌نامد از ایران به‌عنوان یکی از ملت‌های با سابقه و دارای هویت کهن ملی نام می‌برد (اشرف، ۱۳۸۷).

بر مبنای این تمایزات، احمد اشرف معتقد است هم از نظر تحلیلی و هم از لحاظ تاریخی باید میان «هویت ایرانی» و «هویت ملی ایرانی» تمایز قائل شد. روایت تاریخی‌نگر در عین حال که «هویت ملی» را مقوله‌ای متعلق به عصر جدید می‌داند و «عطف به ماسبق» کردن آن را نمی‌پذیرد، «هویت فرهنگی ایرانی» را مقوله‌ای تاریخی می‌داند که از دوران پیش از اسلام تا به امروز به صورت گوناگون بازسازی شده است. بدین‌گونه مفهوم تاریخی و فرهنگی هویت ایرانی که در دوران ساسانیان ابداع شده بود، در دوران اسلامی با نشیب و فرازهایی تحول پیدا کرد، در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت «هویت ملی ایرانی» ساخته و پرداخته شد (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

عناصری که اساس شکل‌بندی جامعه پیشامدرن را تشکیل می‌دهند به شیوه‌های مختلفی در ادبیات موجود دسته‌بندی شده‌اند که شاید بتوان آنها را تحت عنوان سه بعد شامل میراث فرهنگی، میراث سیاسی و تبار مشترک قرار داد و در ادامه برای هر یک از اجزاء تشکیل‌دهنده توضیحاتی ارائه می‌شود.

۱. میراث فرهنگی

میراث فرهنگی هر آن چیزی است که هر نسل به ارث می‌گذارد و به نسل بعد انتقال می‌دهد. هر جامعه دارای نوعی گستره تاریخی است که موجبات تماس بین تجربیات انباشته در گذشته با زمان حال را فراهم می‌سازد (بیرو، ۱۳۶۷: ۷۵-۷۶). این میراث به تعبیر ادوارد تیلور - انسان‌شناس انگلیسی - شامل اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی می‌شود که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۲۳).

برحسب سوابق موجود، میراث فرهنگی را می‌توان مجموعه‌ای از آداب و رسوم^۱ شامل شیوه‌های زندگی، عادات و رسوم خاص یک ملت، مردم و یا یک جماعت (بیرو،

1. Mores

۱۳۶۷: ۲۳۲؛ دین؛ خلیقات^۱ شامل مجموعه صفات و خصوصیات بارزی که گروهی با آن یگانه شده و از گروه دیگر متمایز می‌شود (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۳۸۶)؛ باورها^۲ شامل پذیرش هر گزاره خاص به‌عنوان حقیقت (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۳)؛ زبان و سرگذشت مشترک دانست.

۲. میراث سیاسی

این مفهوم حسب سوابق، دلالت مستقیمی بر مفهوم قدرت و اشکال سازمان یافته آن همچون دولت دارد که در یک سرزمین معین با قواعد و قوانین خاص که مردم ساکن در سرزمین آن را پذیرفته‌اند حکومت می‌کند. بر این اساس، نظام حکومتی و قواعد آن، سرزمین و مردم جزء عناصر اصلی میراث سیاسی محسوب می‌شوند. منظور از سرزمین در اینجا قلمرویی است که دارای مرزهای شناخته شده است و گروهی از مردم را از دیگران جدا می‌کند. این قلمرو صرفاً یک قطعه زمین محسوب نشده و سرزمین مادری مردمان آن، مکان جغرافیایی رویدادهای تاریخی مهم و جایی به شمار می‌آید که خصوصیت منحصر به فرد آن شکل گرفته است (دیوید و بارتال، ۲۰۰۹: ۳۶۷).

۳. تبار مشترک

پیوندهای خونی و یا وجود نیای مشترک بین گروهی از افراد، اشتراک ایجاد می‌کند که اغلب به‌عنوان تبار یا نژاد تعریف می‌شود. «قومیت جمععی است در درون جامعه بزرگ‌تر که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته مشترک و دارای تأکیدات فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی (مثل زبان و مذهب) است که بر اساس آنها، هویت گروه تعریف می‌شود» (برجس^۳، ۱۹۸۶ به نقل از یوسفی و اصغرپورماسوله، ۱۳۸۸: ۱۲۶). اما وقتی از واژه «نژاد» استفاده می‌شود دو معنا مورد نظر قرار می‌گیرد: در مرحله اول توجه به خصوصیات جسمی و زیستی است که به‌عنوان وسیله‌ای برای طبقه‌بندی و مقوله‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در مرحله دوم از بین خصوصیات جسمی شناسایی شده، آن خصوصیتی برگزیده می‌شوند که به تفاوت‌های مفروض بین افراد، معنا می‌بخشند. معمولاً افرادی که بر مبنای معناسازی خصوصیات جسمی متمایز شده‌اند، به‌عنوان افرادی که برخوردار از خصوصیات فرهنگی معین هستند، نیز معرفی می‌شوند؛ یعنی خصوصیات زیستی و فرهنگی آنها آمیخته می‌شود (چلبی، ۱۳۷۸: ۵-۶).

1. Ethos

2. Beliefs

3. Burgess

چنانچه سه بعد پیش گفته، اساس شکل‌گیری جامعه سنتی یا پیشامدرن تلقی شود در این صورت، هویت جامعوی (ایرانی)، حاصل همذات‌پنداری فرد با جامعه و راه یافتن این میراث به درون اعضای جامعه خواهد بود. نتیجه این فرایند یکی شدن فرد با جامعه است. همذات‌پنداری فرد با جامعه از یک‌سو دلالت بر وابستگی و تعلق عاطفی فرد به جامعه و از سوی دیگر گویای تعهد فرد نسبت به آن است؛ یعنی فرد در چنین چارچوبی حاضر است از خود و نفع خود در جهت منافع و مصالح جامعه گذشت کند. بر این اساس، تعریف هویت ایرانی در این نوشتار عبارت خواهد بود از «دلبستگی عاطفی و تعهد نسبت به میراث فرهنگی، میراث سیاسی و تبار مشترک» جامعه ایران.

روش تحلیل متن

هویت ایرانی در **شاهنامه** به روش اسنادی مورد بررسی قرار گرفته است. در روش اسنادی محقق با استفاده از متون و مستندات، به شیوه‌ای نظام‌مند تلاش می‌کند تا نظام‌مندی‌های درون آن مستندات را کشف کند. پژوهش‌هایی که از روش اسنادی استفاده می‌کنند به فراخور هدف، از فنون متعددی استفاده می‌کنند. از آنجا که هدف این پژوهش بررسی عناصر هویت ایرانی و انیرانی در داستان سیاوش **شاهنامه** بوده است، از فن تحلیل محتوا استفاده شده است. به‌طور خلاصه تحلیل محتوا را می‌توان تحلیل نظام‌مند، عینی و کمی ویژگی‌های پیام تعریف کرد (نئوندورف، ۲۰۰۲: ۱). تحلیل محتوای مفهومی، بیشتر به فراوانی مفهوم‌ها در متن که اغلب به صورت واژه‌ها مطرح می‌شوند می‌پردازد و بر وجود یا رخداد اصطلاح‌های انتخاب شده در متن یا متن‌ها، چه به صورت صریح و چه به صورت ضمنی تمرکز می‌کند. بنابراین پژوهشگر فقط به کمیت این نوع واژه‌ها توجه خواهد کرد (میرزایی، ۱۳۸۸: ۴۲۱-۴۲۲).

واحدهای پژوهش هویت ایرانی

واحدهای پژوهش هویت ایرانی در این نوشتار، شامل واحد نمونه‌گیری، واحد ثبت و واحد زمینه است. واحد نمونه‌گیری، داستان سیاوش در **شاهنامه** فردوسی است؛ شاهنامه مورد استناد در این نوشتار، نسخه‌ای از **شاهنامه** است که توسط جلال خالقی مطلق (۱۳۸۶) در هفت دفتر گردآوری شده است. داستان سیاوش، از هنگام زاده شدن تا زمان کشته شدن او، صفحات ۲۰۰-۳۶۴ از دفتر دوم شاهنامه در نسخه مذکور را تشکیل می‌دهد که در کل ۲۳۶۸ بیت را دربرمی‌گیرد. واحد ثبت شامل مضمون حاوی نشانه‌ها

و دلالت‌های واقعی هویت ایرانی در شاهنامه است. واحد زمینه هویت نیز، محدوده‌ای از متن داستان سیاوش است که واحدهای معنایی هویت در آن محدوده شناسایی و تفسیر شده‌اند و اغلب یک بیت یا ابیات پیش و پس از آن مضمون، مورد نظر قرار گرفته و گاه محدوده آن کل یک قطعه از داستان را شامل شده است. در جدول شماره ۱ نشانه‌های واقعی هویت ایرانی در شاهنامه فردوسی مشخص شده است.

جدول شماره ۱: عملیاتی‌سازی ابعاد هویت ایرانی در داستان سیاوش شاهنامه فردوسی

ابعاد هویت ایرانی	واحدهای ثبت (سطح اول)	واحدهای ثبت (سطح دوم)
زیاده‌تر از سیاسی	شاه	شاه، ویژگی‌های ذاتی و ظاهری شاه (مثبت یا منفی)، ویژگی‌های اکتسابی شاه (مثبت یا منفی)، شاهزاده، ویژگی‌های ذاتی و ظاهری شاهزاده (مثبت یا منفی)، ویژگی‌های اکتسابی شاهزاده (مثبت یا منفی)، وجاهت دینی شاه، وجاهت دینی شاهزاده، شکوه و قدرت شاه، شکوه و قدرت شاهزاده، تعهد به شاه، تعهد به شاهزاده، عدم تعهد به شاه، علاقه به شاه، علاقه به شاهزاده، احترام به شاه، ادوات شاهی، اماکن شاهی، ملک شاهی، وصف ملک شاهی، خویشان شاه، ویژگی‌های ذاتی و ظاهری خویشان شاه (مثبت یا منفی)، ویژگی‌های اکتسابی خویشان شاه (مثبت یا منفی)
	قوای حکومتی	قوای حکومتی، شکوه قوای حکومتی
	مناصب حکومتی	منصب حکومتی / پهلوان، منصب حکومتی / اختر شمار، سایر مناصب حکومتی، ویژگی‌های ذاتی و ظاهری منصب حکومتی (مثبت یا منفی)، ویژگی‌های اکتسابی منصب حکومتی (مثبت یا منفی)، ادوات پهلوانی، خویشان منصب حکومتی، ویژگی‌های ذاتی و ظاهری خویشان منصب حکومتی (مثبت یا منفی)، ویژگی‌های اکتسابی خویشان منصب حکومتی (مثبت یا منفی)
	آیین کشوری و لشکری	مشاوره و رایزنی، سپاه‌داری، نامه‌نگاری، آموختن یا فراگرفتن آیین کشورداری، شاهنشانی، موروثی بودن پادشاهی، واگذاری حکومت بر سرزمین، محرمانه بودن امور سیاسی یا خصوصی دربار، آداب جنگ
	نماد کشور (درفش)	
	سرزمین	نام سرزمین، نام نقطه‌ای از سرزمین، وصف سرزمین (مثبت یا منفی)، ابراز علاقه به سرزمین، تعهد نسبت به سرزمین
	مردم	

شخصیت‌ها، اماکن دینی، مفاهیم دینی، اسامی ایزدان دیگر، نام یا صفات خداوند، رفتار دینی، اعتقاد دینی	میراث معنوی (دین)	تبار مشترک
آیین ازدواج، آیین تولد، آیین سوگواری، آیین مجازات، آیین بزم، آیین پذیره شدن، آیین اخترشماری، آیین سوگند، تفریحات	آداب و رسوم	
تقدیرگرایی، سایر باورها	باورها	
اخلاق و کردار نیک، اخلاق و کردار بد	خلقیات	
	زبان	
شاهان گذشته، حوادث گذشته	سرگذشت مشترک	
	قومیت	
نژاد (با توصیف مثبت یا منفی)، نسب و تبار (با توصیف مثبت یا منفی)	نژاد	

بدین ترتیب بر حسب تعریف مفهومی هویت ایرانی، واحدهای ثبت مرحله اول و دوم هویت ایرانی در داستان سیاوش مشخص شده است. جهت اطمینان از دقت انتخاب واحدهای ثبت و دسته‌بندی مفهومی آنها، چند متخصص آن را بازبینی و اصلاح کردند؛ سپس ابیات داستان سیاوش در نرم افزار مربوط (اکسل) وارد و کدگذاری و آماده تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل محتوای کمی هویت ایرانی و انیرانی در داستان سیاوش که مشتمل بر ۲۳۶۸ بیت شعر بوده، ذیل عنوان سه بعد شامل میراث سیاسی، فرهنگی و تبارشناسی در جداول شماره‌های ۲، ۳ و ۴ درج شده که در ذیل به نتایج عمده آن اشاره می‌شود.

میراث سیاسی

اول: مضامین میراث سیاسی برای هویت ایرانی و انیرانی از بیشترین تکرار برخوردار بوده که در هر دو مورد اشاره به شخصیت‌های سیاسی بیش از سایر شاخصه‌های سیاسی بوده است؛ با این تفاوت که برای هویت ایرانی اشاره به شخصیت‌هایی چون شاهزاده (۱۳۴۰ بار)، شاه (۵۵۵ بار) و سپس خویشان شاه (۴۲ بار) چه به صورت نام خاص و چه به صورت ضمائر به طور قابل توجهی در داستان سیاوش تکرار شده‌اند

در حالی که برای هویت انیرانی اشاره به شخصیت‌های سیاسی دسته دوم بیشتر بوده چنان‌که بیش از همه به خویشان شاه انیرانی اشاره شده است (۸۴۳ بار) و پس از آن‌ها، شاه (۷۸۷ بار) بیشترین تکرار را در تعریف هویت انیرانی داراست.

دوم: ستایش شخصیت‌های سیاسی ایرانی بیش از نکوهش آنهاست. چنان‌که در ۲۵۳ مورد به ویژگی‌های اکتسابی مثبت و در ۱۴۷ مورد نیز به ویژگی‌های ذاتی و ظاهری مثبت شاهزاده ایرانی (سیاوش) اشاره شده است. در ابیات زیر ویژگی‌های ذاتی و ظاهری سیاوش مدح شده است:

۱۲۹۵- به روی سیاوش نگه کرد و گفت
۱۲۹۶- نه زین‌گونه مردم بود در جهان
که این را به گیتی ندانیم جفت
چنین روی و بالا و فرو مهان

هم‌چنین در ۵ مورد به وجاهت دینی شاه ایرانی و ۱۹ بار نیز به وجاهت دینی شاهزاده ایرانی اشاره شده است. شایان ذکر است آنچه شاه ایرانی را از انیرانی متمایز می‌سازد وجاهت و اقتدار دینی است؛ یعنی فرّ و قدرت درک شهودی، که نیرویی مینوی محسوب می‌شود، که در این داستان تنها شاه و شاهزاده ایرانی از آن برخوردارند و انیرانی بهره‌ای از آن ندارند. در ۱۹ مورد نیز ویژگی‌های ذاتی و ظاهری خویشان شاه ایرانی به گونه‌ای مثبت توصیف شده است. در بیت زیر وجاهت دینی شاهزاده ایرانی از زبان خود سیاوش چنین بیان شده است:

۲۹۱- مرا آفریننده از فر خویش
پیرورد و بنشانند در پر خویش

سوم: در مقابل، در توصیف هویت انیرانی، ویژگی‌های اکتسابی منفی شاه انیرانی بیشترین تکرار را داشته است (۹۰ بار). در ابیات زیر افراسیاب، شاه توران، بر بدی‌ها و ستم‌های خود اعتراف می‌کند:

۷۷۵- بسا نامداران که بر دست من
۷۷۶- بسی شارستان گشت بیمارستان
تبه شد به جنگ اندر آن انجمن
بسی گلستان نیز شد خارستان
۷۷۷- بسا باغ کان رزمگاه منست
به هر سو نشان سپاه منست

البته در ۷۰ مورد نیز از ویژگی‌های اکتسابی مثبت شاه انیرانی سخن به میان آمده است. پس از آن نیز توصیف‌های ارائه شده از ویژگی‌های اکتسابی خویشان شاه انیرانی بیشترین فراوانی را داشته‌اند؛ چنان‌که در ۷۳ مورد به ستایش و مدح ویژگی‌های ذاتی و ظاهری مثبت خویشان شاه انیرانی پرداخته شده و در ۳۰ مورد، به ویژگی‌های اکتسابی مثبت و در ۳۱ مورد نیز به ویژگی‌های اکتسابی منفی آنان اشاره شده است.

چهارم: پس از شخصیت‌ها و ویژگی‌های مرتبط با آن‌ها، ادوات شاهی (۱۴۴ بار) و

اماکن شاهی (۹۹ بار) نیز در مرتبه بعد بیشتر تکرار شده است. برای هویت انیرانی نیز ادوات شاهی (۶۹ بار) و اماکن شاهی (۲۳ بار)، بیش از دیگر شاخصه‌های مرتبط با شاه تکرار شده است. از شاخصه‌های دیگر مرتبط با شاه، توصیف شکوه و قدرت شاه (۳۷ بار)، احترام به شاه (۳۲ بار) و تعهد به شاه (۱۸ بار) به ترتیب بیش از دیگر موارد بوده است. به همین شکل از عناصر هویت انیرانی نیز توصیف‌های ارائه شده از شکوه و قدرت شاه (۱۰ بار) و احترام به شاه (۸ بار) بیش از سایر موارد بوده است.

پنجم: در مورد مؤلفه‌های هویت ایرانی و انیرانی، پس از شاه مناصب حکومتی بیش از سایر مؤلفه‌های سیاسی تکرار شده‌اند؛ چنان‌که در ۳۱۸ مورد از پهلوانان ایرانی چه به صورت خاص و چه ضمیر یاد شده است. در ۱۵ مورد نیز اخترشماران و در ۳۹ مورد سایر مناصب حکومتی از جمله روزبان، دبیران و... قرار دارند. میزان اشاره به پهلوانان انیرانی بیش از پهلوانان ایرانی بوده است (۵۱۴ مورد) و در ۱۲ مورد نیز اخترشماران و در ۴۸ مورد سایر مناصب حکومتی انیرانی نقش داشته‌اند. علی‌رغم اینکه میزان حضور مناصب حکومتی ایرانی کمتر بوده، اما میزان توصیف‌های مثبت ارائه شده از آنان بیشتر از انیرانیان بوده است؛ چنان‌که در این داستان، شاعر ۵۷ بار ویژگی‌های اکتسابی، ذاتی و ظاهری مثبت مناصب حکومتی ایرانی را توصیف کرده و تنها در ۲ مورد توصیف منفی از مناصب ایرانی ارائه شده است. در مقابل در ۳۹ مورد توصیف مثبتی از ویژگی‌های ذاتی، ظاهری و اکتسابی مناصب حکومتی انیرانی و ۱۳ بار نیز توصیف منفی از مناصب حکومتی انیرانی ارائه شده است. در این داستان توانمندی‌های پهلوانان ایرانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سیاسی سازنده هویت ایرانی قابل بررسی است. مثلاً در ابیات زیر تورانیان با وصف و تمجید پهلوانان ایرانی ضعف و ناتوانی خود را در برابر ایرانیان ابراز می‌کنند:

۲۲۵۲- جهان از تهمتن بلرزد همی	که توران به جنگش نیرزد همی
۲۲۵۳- چو گودرز کز گرز او روز جنگ	بدرد دل شیر و چنگ پلنگ
۲۲۵۴- چو بهرام و چون زنگه ی شاوران	که نندیشد از گرز گنداوران

پس از شاه و مناصب حکومتی، قوای حکومتی بیش از سایر مؤلفه‌های سیاسی هویت ایرانی و انیرانی تکرار شده است؛ چنان‌که در کل در ۱۵۹ مورد به قوای حکومتی ایران اشاره شده و یا از شکوه و قدرت آن سخن به میان آمده است. هم‌چنین در ۱۲۰ مورد از قوای حکومتی انیرانی و شکوه و قدرت آن صحبت شده است. در نهایت در مرتبه آخر از مؤلفه‌های سیاسی اشاره به آیین‌های کشوری و لشکری قرار

دارد و قواعدی چون مشاوره، رایزنی و نامه‌نگاری، بیش از سایر مؤلفه‌های آیین کشوری و لشکری ایرانی و انیرانی تکرار شده‌اند. در ابیات زیر شکوه و قدرت قوای حکومتی ایران از زبان تورانیان توصیف شده است:

۶۹۰- پیاده بگردار آتش بدند
سپر دار با تیر و ترکش بدند
۶۹۱- نبرد به کردار ایشان عقاب
یکی را سراندر نیامد به خواب

ششم: در ارتباط با سایر مؤلفه‌های میراث سیاسی باید گفت که در ۱۴۷ مورد از سرزمین ایران یا نقطه‌ای از این سرزمین یاد شده یا به آن ابراز علاقه شده است. در مقابل در ۲۰۱ مورد از سرزمین انیرانی صحبت شده است که در ۱۵۸ مورد نامی از سرزمین انیرانی به میان آمده و در ۱۰ مورد نیز توصیف مثبت و در ۳ مورد توصیف منفی از سرزمین انیرانی ارائه شده است.

هفتم: اشاره به مردم ایران و ایرانیان ۲۹ بار تکرار شده و در ۷ مورد نیز به مردم انیرانی اشاره شده است؛ البته این اشارات غالباً به صورت غیر مستقیم بوده است.

جدول شماره ۲: فراوانی واحدهای ثبت میراث سیاسی ایرانی و انیرانی در داستان سیاوش

میراث سیاسی مؤلفه‌های فراوانی ایرانی	میراث سیاسی مؤلفه‌های فراوانی انیرانی	میراث سیاسی	فراوانی سیاسی مؤلفه‌های ایرانی	فراوانی سیاسی مؤلفه‌های انیرانی	میراث سیاسی
۱۰	۳۸	شکوه قوای حکومتی	۲۰۲۲	۲۹۴۹	شاه
۳	۴	درفش	۶۹	۱۴۴	ادوات شاهی
۶۵۳	۴۳۱	مناصب حکومتی	۲۳	۹۹	اماکن شاهی
۵۱۴	۳۱۸	منصب حکومتی / پهلوان	۵	۱۸	تعهد به شاه
۱۲	۱۵	منصب حکومتی / اختر شمار		۴	تعهد به شاهزاده
۴۸	۳۹	سایر مناصب حکومتی	۳	۷	عدم تعهد به شاه
۳۵	۳۷	ویژگی اکتسابی منصب حکومتی / مثبت	۸	۳۲	احترام به شاه
۱۲	۲	ویژگی اکتسابی منصب حکومتی / منفی	۲	۳	علاقه به شاه
۴	۲۲	ویژگی ذاتی و ظاهری منصب حکومتی / مثبت		۱۶	علاقه به شاهزاده
۱		ویژگی ذاتی و ظاهری منصب حکومتی / منفی	۸۴۳	۴۲	خویشان شاه



۱	۱	ادوات پهلوانی	۷۸۷	۵۵۵	اشاره به شاه
۱۸		خویشان منصب حکومتی		۱۳۴۰	اشاره به شاهزاده
۸		ویژگی اکتسابی خویشان منصب حکومتی / نیک	۱۰	۳۷	شکوه و قدرت شاه
۲۲	۹۶	آیین کشوری و لشکری		۱۴	شکوه و قدرت شاهزاده
	۶	آموختن یا فراگرفتن آیین کشورداری	۱	۴	ویژگی ذاتی و ظاهری شاه / مثبت
۶	۱۵	آیین حکومتی	۶	۱	ویژگی ذاتی و ظاهری شاه / منفی
	۲	شاهنشانی	۷۰	۴۴	ویژگی اکتسابی شاه / مثبت
	۳	واگذاری حکومت بر سرزمین	۹۰	۵۷	ویژگی اکتسابی شاه / منفی
	۱۷	موروثی بودن پادشاهی		۵	وجاهت دینی شاه
	۷	آداب جنگ		۱۹	وجاهت دینی شاهزاده
۶	۱۶	نامه نگاری		۲۵۳	ویژگی اکتسابی شاهزاده / مثبت
۷	۱۷	مشاوره و رایزنی		۲	ویژگی اکتسابی شاهزاده / منفی
۱	۵	سپاه داری		۱۴۷	ویژگی ذاتی و ظاهری شاهزاده / مثبت
۲	۸	محرمانه بودن امور سیاسی یا خصوصی دربار	۷۳	۱۹	ویژگی ذاتی و ظاهری خویشان شاه / مثبت
۲۰۱	۱۴۷	سرزمین	۲		ویژگی ذاتی و ظاهری خویشان شاه / منفی
۱۰		وصف سرزمین / مثبت	۳۰	۱	ویژگی اکتسابی خویشان شاه / مثبت
۳		وصف سرزمین / منفی	۳۱		ویژگی اکتسابی خویشان شاه / منفی
۱۵۲	۱۰۰	نام سرزمین		۳۴	ملک شاهی
۳۶	۳۷	نقطه ای از سرزمین		۲۸	وصف ملک شاهی / مثبت
	۱۰	علاقه به سرزمین	۱۲۰	۱۵۹	قوای حکومتی
۷	۲۹	مردم	۱۱۰	۱۲۱	اشاره به قوای حکومتی
میراث سیاسی هویت ایرانی: ۳۰۲۷			جمع کل: میراث سیاسی هویت ایرانی: ۳۸۱۵		

میراث فرهنگی

پس از میراث سیاسی، مؤلفه میراث فرهنگی بیش از سایر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی و انیرانی مورد تأکید قرار گرفته است. به‌طور کلی میزان حضور مؤلفه‌های فرهنگی ایرانی در داستان سیاوش ۴۹۸ بار و اشاره به مؤلفه‌های میراث فرهنگی انیرانی ۳۴۰ بار بوده است.

اول: به لحاظ نوع مؤلفه‌های فرهنگی بین هویت و انیرانی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که از مؤلفه‌های هویت ایرانی، مؤلفه میراث معنوی یا دین بیش از سایر موارد بوده (۱۶۵ بار)، که ذکر نام یا صفات خداوند بیشترین تکرار را در بین مؤلفه‌های دینی داشته است (۶۲ بار). پس از آن بیان اعتقاد دینی (۵۲ بار)، اشاره به شخصیت‌های دینی (۲۱ بار)، رفتار دینی (۱۷ بار) به ترتیب بیش از دیگر مؤلفه‌های دینی ایرانی در داستان سیاوش حضور داشته‌اند. در ابیات زیر این اعتقاد و رفتار دینی نمایش داده شده است:

۱۱۴- همی گفت با کردگار سپهر	خداوند هوش و خداوند مهر
۶۵۴- خداوند خورشید و گردنده ماه	فرازنده ی تاج و تخت و کلاه
۱۰۴۵- برین گونه پیمان که من کرده‌ام	به یزدان و سوگندها خورده‌ام
۱۷۰۷- بر آن نیز چندی ستایش گرفت	جهان آفرین را نیایش گرفت

دوم: پس از دین، مؤلفه آداب و رسوم (۱۵۶ بار) بیش از سایر مؤلفه‌های فرهنگی بوده است. در این میان آداب و رسومی چون آیین ازدواج (۲۷ بار)، مجازات (۲۱ بار)، سوگند (۱۹ بار) و آیین پذیره شدن (۲۰ بار) تکرار شده‌اند. در مرتبه بعد اشاره به باورهای ایرانیان قرار دارد که در این میان باورهای تقدیرگرایانه بسیار پررنگ بوده است (۸۳ بار). در رابطه با اخلاق و کردار ایرانیان، در ۴۷ مورد یک اخلاق یا کردار نیک توصیه، مدح یا ذکر شده و در ۱۶ مورد نیز به یک اخلاق یا کردار بد اشاره شده یا مورد نکوهش واقع شده است.

آیین ازدواج:

۱۴۴۴- ولیکن ترا آن سزاوارتر	که از دامن شاه جویی گهر
۴۵۴- ز هر دو سخن برین گونه گشت	بر آتش یکی را بیاید گذشت
۴۵۵- چنین ست سوگند چرخ بلند	که بر بی گناهان نیارد گزند
۴۵۸- مگر کاتش تیز پیدا کند	گنه کرده را زود رسوا کند

آیین مجازات:

۵۳۵- که پادشاه این آنک بی جان شود،	ز بد کردن خویش پیچان شود
------------------------------------	--------------------------



باورهای تقدیرگرایانه به شکل اعتقاد به بخت و اقبال و گذرا بودن دنیا:

۲۲۹۳- یکی جز به نیکی زمین نسپرد همی از نژندی فرو پژمرد

۲۲۹۴- مدار ایچ تیمار با جان بهم به گیتی مکن جان و دل را دژم

۲۲۹۵- یکی دان ازو هر چه آید همی که جاوید با تو نپاید همی

سوم: در رابطه با دیگر مؤلفه‌های فرهنگی ایرانی یعنی سرگذشت مشترک باید گفت که در ۲۹ مورد با اشاره به شاهان و رویدادهای گذشته ایران، سرگذشت این سرزمین ورق خورده است.

۲۲۹۶- شنیدی کجا ز آفریدون گرد ستمگاره ضحاک تازی چه برد

چهارم: در نهایت اینکه تنها در دو مورد به زبان پهلوی به‌عنوان زبان ایرانیان اشاره شده است.

۱۳۷۲- سیاوش غمی گشت ز ایرانیان سخن گفت بر پهلوانی زبان

پنجم: از بین مؤلفه‌های میراث فرهنگی انیرانی در داستان سیاوش، مؤلفه‌های آداب و رسوم انیرانی در اولویت بوده که در این میان آیین ازدواج (۳۰ بار)، آیین بزم (۲۲ بار) و آیین سوگواری (۲۱ بار) بیشتر تکرار شده‌اند. پس از آن مؤلفه‌های میراث معنوی (دین) قرار دارد که به طور کلی در ۹۰ مورد به یک مؤلفه دینی اشاره شده که ذکر نام یا صفات خداوند بیش از سایر موارد بوده است. هم‌چنین در ۹۴ مورد به خلیقات انیرانیان اشاره شده که در این میان ۶۴ بار به اخلاق و کردار بد انیرانیان پرداخته شده و در ۳۰ مورد اخلاق و کردار نیک آنان ذکر شده است. در ۲۳ مورد نیز باورهای تقدیرگرایانه غیرایرانی نمود یافته است. به علاوه در ۲۵ موردی که به سرگذشت انیرانیان اشاره شده در ۱۴ مورد از شاهان و در ۱۱ مورد از حوادث گذشته سرزمین انیرانی یاد شده است.

آیین ازدواج انیرانی:

۱۱۳۷- به آیین دهد دختری را بدوی بداردش با ناز و با آب روی

آیین سوگواری:

۲۲۳۵- فریگیس بشنید، رخ را بخست میان را به زنار خونین بیست

۲۲۹۷- همه بندگان موی کردند باز فریگیس مشکین کمند دراز،

۲۲۹۸- برید و میان را به گیسو بیست به فندق گل ارغوان را بخست

جدول شماره ۳: فراوانی واحدهای ثبت میراث فرهنگی ایرانی و انیرانی در داستان سیاوش

میراث فرهنگی	فراوانی مؤلفه‌های میراث فرهنگی ایرانی	فراوانی مؤلفه‌های میراث فرهنگی انیرانی
اسامی ایزدان دیگر	۳	۲
خلقیات	۶۳	۹۴
اخلاق و کردار بد	۱۶	۶۴
اخلاق و کردار نیک	۴۷	۳۰
آداب و رسوم	۱۵۶	۱۰۵
آیین بزم	۲۲	۲۲
آیین سوگواری	۱۰	۲۱
آیین اختر شماری	۱۹	۷
آیین ازدواج	۲۷	۳۰
آیین پذیره شدن	۲۰	۱۳
آیین تولد	۵	۱
آیین سوگند	۱۹	۱
آیین مجازات	۲۱	۱۰
تفریحات	۱۳	۱۰
باورها	۸۳	۲۶
تقدیر گرایی	۷۶	۲۶
سایر باورها	۷	۷
میراث معنوی (دین)	۱۶۵	۹۰
ذکر نام یا صفات خداوند	۶۲	۲۵
اعتقاد دینی	۵۲	۱۹
رفتار دینی	۱۷	۱۳
شخصیت دینی	۲۱	۲۴
اماکن دینی	۲	۲
مفاهیم دینی	۸	۷
سرگذشت مشترک	۲۹	۲۵
اشاره به شاهان گذشته	۱۷	۱۴
اشاره به حوادث گذشته	۱۲	۱۱
زبان	۲	۲
جمع کل	۴۹۸	۳۴۰

تبار مشترک

اول: در این داستان در ۳۱ مورد از نژاد و یا نسب و تبار ایرانی صحبت شده که عموماً دارای بار معنایی مثبت بوده و تنها در یک مورد توصیف منفی از نسب و تبار ایرانی ارائه شده است. هم‌چنین شاعر در ۶ مورد نیز به قومیت‌های ایرانی اشاره کرده است. نژاد ایرانی:

۱۵۰۳- ز تخم فریدون و از کیتباد فروزنده‌تر زین نباشد نژاد

دوم: در تقابل با هویت ایرانی، ۳۷ موردی که از نژاد یا نسب و تبار انیرانیان سخن به میان آمده در ۲۰ مورد توصیف‌ها مثبت بوده و در ۹ مورد توصیف‌ها حاوی بار معنایی منفی بوده است. هم‌چنین در ۲۲ مورد از قومیت انیرانی با عنوان ترک سخن گفته شده است. در بیت زیر به توصیف مثبت از نژاد و نسب و تبار دختران کرسیوز تورانی پرداخته شده است (واژه پروز به همین معناست):

۱۴۴۱- سه اندر شبستان کرسیوزاند که از مام و از باب با پروزاند

توصیف منفی از نژاد انیرانی

۹۳۵- به صد ترک بیچاره ی بدنژاد که نام پدرشان ندارند یاد

۶۷۶- که آن ترک بدپیشه و ریمن ست که هم بدنژادست و هم باتن ست

جدول شماره ۴: فراوانی مؤلفه تبار مشترک ایرانی و انیرانی در داستان سیاوش

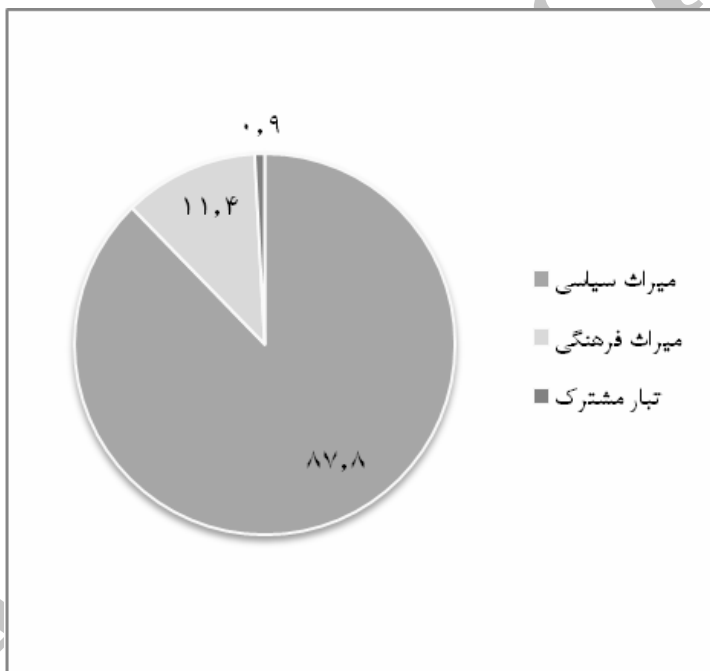
تبار مشترک	فراوانی مؤلفه‌های تبار مشترک ایرانی	فراوانی مؤلفه‌های تبار مشترک انیرانی
قومیت	۶	۲۲
نژاد	۳۱	۳۷
نژاد یا نسب و تبار / منفی	۱	۹
نژاد یا نسب و تبار / مثبت	۳۰	۲۰
جمع کل	۳۷	۵۹

جداول فراوانی عناصر فوق در جدول شماره ۵ به صورت خلاصه آورده شده، که مبین نمایی از فراوانی عناصر هویت ایرانی و انیرانی است.

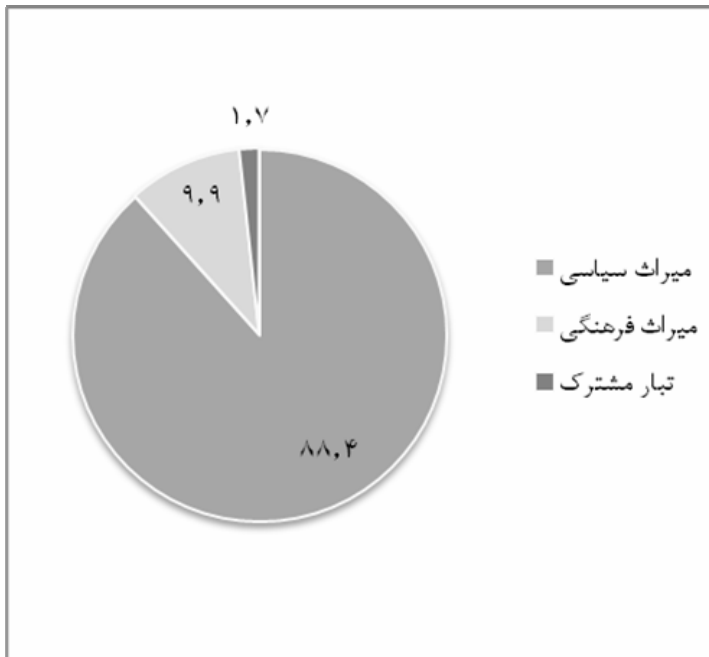
جدول شماره ۵: فراوانی مؤلفه‌های هویت ایرانی و انیرانی در داستان سیاوش

فراوانی درصدی مؤلفه‌های هویت انیرانی	فراوانی مؤلفه‌های هویت ایرانی	فراوانی درصدی مؤلفه‌های هویت ایرانی	فراوانی مؤلفه‌های هویت ایرانی	ابعاد هویت
۸۸/۴	۳۰۲۷	۸۷/۷	۳۸۱۵	میراث سیاسی
۹/۹	۳۴۰	۱۱/۴	۴۹۸	میراث فرهنگی
۱/۷	۵۹	۰/۹	۳۷	تبار مشترک
۱۰۰	۳۴۲۶	۱۰۰	۴۳۵۰	جمع کل

نمودار شماره ۱: مؤلفه‌های هویت ایرانی



نمودار شماره ۲: مؤلفه‌های هویت ایرانی



به طور کلی، یافته‌های این نوشتار به نوعی تأییدی کمی و عینی بر پژوهش‌های پیشین از جمله پژوهش ابوالقیسی رودسری (۱۳۸۵) و رستگار فسایی (۱۳۸۰) است. بنابراین نه تنها تمامی عناصر هویتی که این محققان بدان اشاره کرده‌اند در این مقاله در قالب داستان سیاوش مورد بازبایی قرار گرفته، بلکه از این مؤلفه‌ها تعریفی دقیق و مطابق با متن شاهنامه ارائه شده است و به مؤلفه‌هایی به‌عنوان عناصر سازنده هویت ایرانی اشاره شده که آن مطالعات بدان نپرداخته‌اند. رستگار فسایی در بررسی هویت ایرانی در شاهنامه تنها بر خلیقات و کردار ایرانیان تأکید کرده است و خسروی و موسوی، خردورزی و دینداری را به‌عنوان اساس هویت ایرانی معرفی کرده‌اند. اگرچه ابوالقیسی رودسری عناصر بیشتری از هویت ایرانی را مورد بررسی قرار داده، اما باز هم آن پژوهش به طور جامع بیانگر معنای هویت ایرانی در متن شاهنامه نبوده زیرا او مؤلفه سیاسی هویت ایرانی را مورد غفلت قرار داده درحالی‌که این مطالعه میراث سیاسی را شاخص‌ترین عنصر هویت ایرانی معرفی کرده است.

نتیجه گیری

از مجموع آنچه در بررسی مؤلفه‌های هویت ایرانی و انیرانی در داستان سیاوش به دست آمد، چنین می‌توان گفت که فردوسی برای تشخیص بخشیدن به هویت ایرانی، آن را در تقابل با انیرانیان قرار داده است. او با تأکید بر بعد سیاسی، بنیان هویت ایرانی را در قالب اندیشه سیاسی خود مطرح می‌کند. در ایده سیاسی فردوسی وظیفه پاسداری از سرزمین ایران در برابر هجوم بیگانگان و نگاهبانی از آزادی و استقلال سرزمین و مردم ایران، با وجود نهاد سیاسی جامعه محقق می‌شود. فردوسی با تأکید بر ویژگی‌های خاصی که برای شاه، به‌عنوان مرکز نهاد سیاست، قائل می‌شود یکی از استوارترین راه‌ها و پایدارترین روش‌ها را برای حفظ هویت ایرانی «شاه آرمانی» می‌داند؛ شاهی که در مرکز نیروهای حمایت‌کننده از ایران و ایرانی قرار می‌گیرد. چنین شاهی باید از خصیصه‌هایی چون فره ایزدی، خرد، داد و دینداری بهره‌مند باشد و با نافرمانی از خداوند فره ایزدی از او گسسته شده و امور نابسامان می‌شود. بی‌خردی و بیداد شاه نه تنها پایه‌های قدرت را متزلزل می‌سازد بلکه بازتاب منفی آن بر طبیعت و جامعه نشان داده می‌شود. فردوسی در ابیاتی از داستان سیاوش، این پیوستگی بین بیداد شاه و آشفته‌گی در طبیعت را به زیبایی ترسیم می‌کند:

۷۷۸- ز بیدادی شهریار جهان همه نیکوی ها شود در نهران
۷۷۹- نژاید به هنگام بردشت گور شود بچه ی باز را چشم کور
۷۸۰- ببرد ز پستان نخچیر شیر شود آب در چشمه خویش قیر
۷۸۱- شود در جهان چشمه ی آب خشک ندارد به نافه ندرون بوی، مشک

از تحلیل عناصر هویت در داستان سیاوش چنین برمی‌آید که هدف فردوسی از پرداختن به شاهزاده‌ای با ویژگی‌های سیاوش که همواره بر راه خرد و داد عمل می‌کند. در مقابل شاهان کزکرداری چون کاوس و افراسیاب (شاه توران)، چیزی جز ارائه نوع عالی یا نمونه آرمانی شهریاری نبوده است. سیاوش در این داستان مظهر شاه آرمانی است که هر چند به پادشاهی نمی‌رسد اما برخوردار از فره، خرد و دادگری است و نه تنها با ایرانی به عدالت رفتار می‌کند بلکه دشمن نیز در صحنه نبرد از عدالت او بهره‌مند می‌شود. مطالعاتی از این دست، نشان‌دهنده نقش اسطوره‌ها در تحکیم و تقویت هویت ایرانی است. بنابراین شاید بتوان گفت شاهنامه همچنان کارکردهای اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کرده است. علاوه بر آن، نقش کلیدی اسطوره و حماسه در تکوین هویت ملی در دنیای مدرن امروز سبب شده تا بر اهمیت شاهنامه و مطالعه درخصوص آن به منظور تقویت ارکان هویت ملی امروز ایران تأکید شود.

منابع

- ابولقیسی رودسری، فاطمه (۱۳۸۵)؛ *هویت ایرانی در شاهنامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، به راهنمایی استاد ذوالفقار علامی مهماندوستی، دانشگاه الزهرا.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸)؛ *پنجاهای هویت ملی ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اسمیت، آنتونی دی. (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: تمدن ایرانی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳)؛ «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، در *ایران، هویت، ملیت، قومیت (مجموعه مقالات)*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۱۳۱-۱۶۷.
- ایران‌نامه (۱۳۸۷)؛ «هویت ایرانی به سه روایت»، *ایران‌نامه*، سال بیست و چهارم، برگرفته از وب سایت ایران‌نامه (۱۳۸۹/۸/۲۵).
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۴)؛ «بررسی علل گونه‌گونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی»، در *گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران*، تهران: تمدن ایرانی، صص ۲۱-۴۰.
- امیری اشکلک، مریم (۱۳۸۵)؛ *شاهنامه و هویت ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته ادبیات، به راهنمایی ابوالقاسم رادفر، تهران: پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیرو، آن (۱۳۶۷)؛ *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: مؤسسه کیهان.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)؛ *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۸)؛ *هویت قومی و ملی در ایران*، تهران: امور اجتماعی وزارت کشور.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- خسروی، اشرف و سیدکاظم موسوی (۱۳۸۷)؛ «خردورزی و دینداری اساس هویت ایرانی در شاهنامه»، *کاوش‌نامه*، سال نهم، ش ۱۶، صص ۹۹-۱۲۷.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷)؛ *هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دیلم صالحی، بهروز (۱۳۸۵)؛ «اسطوره و حماسه، دو بنیاد هویت ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هفتم، ش ۳، صص ۳-۲۴.
- رایف، دانیل و دیگران (۱۳۸۱)؛ *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: نشر سروش.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)؛ «فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی در شاهنامه»، *نامه انجمن*، ش ۳، صص ۱۶-۳۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)؛ *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- سفیری، خدیجه و م. غفوری (۱۳۸۸)؛ «بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره دوم، بهار و تابستان، صص ۱-۲۷.
- شاه‌سنی، شهرزاد (۱۳۸۶)؛ *تبیین سازوکارهای مؤلفه‌های جامعه‌پذیری کتاب‌های علوم انسانی دوره ابتدایی در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان*، پایان‌نامه جهت دریافت درجه دکتری، دانشگاه شیراز.
- شمشیری، بابک و محمودرضا نوشادی (۱۳۸۶)؛ «بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و علوم اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی»، *مطالعات برنامه درسی*، سال ششم، دوره دوم، صص ۵۱-۷۸.

- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)؛ «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه مورد لرستان)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، ش ۴، صص ۱۲۷-۱۶۱.
- قاسمی، فرزانه (۱۳۸۳)؛ «مراتب و مؤلفه‌های هویت»، در *هویت و بحران هویت*، به کوشش علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، صص ۱۴۵-۱۶۰.
- قنبریان برزیان، علی (۱۳۸۳)؛ «رویکردها، چالش‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی»، در *هویت و بحران هویت*، به کوشش علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، صص ۳۶۱-۳۸۳.
- گولد، جولیس و ویلیام کولب (۱۳۷۶)؛ *فرهنگ علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات مازیار.
- میرزایی، خلیل (۱۳۸۸)؛ *پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه نویسی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۵)؛ «نگاهی به روند تحول مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه هویت سنتی، مدرن و پست‌مدرن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۲۶، سال هفتم، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- یوسفی، علی و احمدرضا اصغرپور ماسوله (۱۳۸۸)؛ «قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران»، *دانش‌نامه علوم اجتماعی*، سال اول، ش ۱، صص ۱۲۵-۱۴۴.
- David, O., & Bar-tal, D. (2009); "A Sociopsychological Conception of Collective Identity: The Case of National Identity as an Example", *Society for Personality and Social Psychology*, Vol. 13, No. 4, November, PP 354-379.
- Tajfel, H. (1981); *Human Groups and Social Categories: Studies in Social Psychology*. Cambridge: UK: Cambridge University Press.
- Neondorf, K. A. (2002); *The Content Analysis Guidebook*, Sage pub.